

# اوکراین قربانی تقابل استراتژیک



فرید سیاوش

تاریخ روسیه از نام «کیف – روسیه» آغاز شد. اوکراین قرن ها بخشی از روسیه محسوب می شد، و تاریخ روسیه و اوکراین پیشتر از آن به هم گره خورده بود. روس کی یف نام دولتی قرون وسطایی اروپایی بود که در اواخر سده نهم میلادی تشکیل شد و پس از تازش مغول ها میان سال های ۱۲۳۷ تا ۱۲۴۰ میلادی از میان رفت. این مملکت در منابع هم عصر خویش، همواره روس خوانده شده است و عنوان روس کی یف مربوط به سده نوزدهم میلادی است که تاریخ نگاران موضوع روسیه برای اشاره به دولتی که پایتختش کی یف بوده این عنوان را بدان اطلاق نموده اند.

گفته شده است وقتی چنگیز به اطراف شهر کی یف رسید بر تپه های سبز و زیبا بیرون شهر خرگاه آراست و محو زیبایی کی یف گردید که ازدهای آبی دنیپر، خروشان و نیلگون از دل آن شهر زیبا عبور میکند. به مردم شهر نامه فرستاد که دست از مقاومت و جنگ برکشند و تسلیم شوند. مردم و حاکمان همانوقت نپذیرفتند؛ چنگیز چهل شبانه روز مهلت داد اما کی یف تسلیمی را رد کرد. آن چنگیز غدار و خون ریز و ویرانگر با گریه امر هجوم به شهر را پس چهل روز داده و گفت عروسم را به آتش میکشم.



این عروس زیبا یکبار دیگر به آتش کشیده شد....

در حقیقت جنگ خوب وجود ندارد و بیشترین قربانی را از میان تهی دست ترین، ناچار و ناتوانترین مردمان میگیرد. اوکراین نمیتواند از این قاعده بد دور باشد.

از آغاز دهه دوم فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ روسیه تحت فشار دو جریان از طرف غرب قرار گرفت یکی گسترش اتحادیه اروپا و دیگری گسترش ناتو بود.

همان روزهای اول روسیه به طور مستقیم و غیر مستقیم نسبت به این مساله اعتراض کرد اما غرب توجهی نکرد اکنون که مساله عضویت اوکراین در ناتو مطرح شده روسیه به دلیل این که یک نوع تسلط سنتی و دیرینه در اوکراین داشته حساسیت نشان داده و تصمیم نظامی گری و لشکر کشی گرفته است.

پس از شورش «میدان (Maidan)» در آغاز جنگ داخلی در دونباس و الحاق کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴، پترو پروشکو، رییس جمهوری وقت اوکراین در ماه مه ۲۰۱۵ «قانون کمونیسم زدایی» را توشیح کرد. این قانون برای تبلیغ ایده های کمونیستی مجازات قایل شده، استفاده از نمادهای اتحاد شوروی را ممنوع نموده و گروه های ضد یهودی ای که با نازی ها همکاری کرده بودند را در ردیف «مبارزان برای استقلال» قرار داده بود. از جمله: «سازمان ملی گرایان اوکراین (OUN)» که شبه نظامیان آن در کشتار یهودیان مشارکت داشتند و «ارتش شورشی اوکراین (UPA)» شاخه نظامی آن، مسئول کشتار ۱۰۰ هزار لهستانی بود. اکنون برای هر دو اینها در روز ۱۴ اکتبر مراسم گرامی داشت برگزار می شود و هر سال روز اول ژانویه در کی یف یک مراسم حمل مشعل برای بزرگ داشت خاطره استپان باندر، رهبر این دو سازمان که با رایش سوم همکاری می کرد برگزار می شود. این گروه متشکل از شبه نظامیان نئونازی ای است که از علامت تیپ اس اس نازی ها استفاده می کنند.

ولودیمیر زلنسکی، رییس جمهوری، که از یک خانواده یهودی است، از این جریان های جنون آمیز، که نمی توان زندگی سیاسی اوکراین را در آنها خلاصه کرد، فاصله می گیرد. اما به هر حال، در ۲۸ آوریل گذشته، صدها تن در پایتخت اوکراین برای بزرگ داشت تیپ اس اس گالیسی، که از افراد داوطلب اوکراینی تشکیل شده بود، رژه می رفتند.

در سال ۲۰۱۴ کنفرانسی تشکیل شد که رئیس جمهور فرانسه، آنگلا مرکل و مقامات اوکراین و روسیه حضور داشتند و به جمهوری های دونتسک و لوهانسک خودمختاری داخلی داده شد، اکثریت مردمان این مناطق روس هستند.

این اتفاق مساله ای بود که زلینسکی که در اوکراین به قدرت رسیده بود به آن توجه نکرد و چه بسیار رفتارهای غیر انسانی با ساکنین داشت، در نتیجه مردم این مناطق بارها از روسیه درخواست داشتند تا به آن بپیوندند.

ریشه این جنگ را باید در وقایع پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جست: جنگ داخلی در کشورهای بلوک شرق (تجزیه یوگسلاوی مهمترین آن است)؛ سرنگون کردن برج های تجارت جهانی در امریکا و جنگ های افغانستان، عراق و سوریه و لیبی و... در حکم پیامد آن؛ و بحران اقتصادی سرمایه داری در سال ۲۰۰۸. همه این وقایع به نوعی درگیری درون سرمایه داری با خود است. سرمایه داری برای دوام و گسترش و چاق شدن، باید به هر چیزی دست یازد؛ الزاما به یک محرکه یا امر بیرونی نیازمند است، اما چه چیزی بیرون از سرمایه داری هست؟ جنگ زدن به تضاد های و خلق بحران.

### تحول کنونی هشت دلیل اصلی دارد:

- اول، عهدشکنی و تلاش برای ادغام اوکراین در اتحادیه اروپا و ناتو به عنوان بخشی از گسترش تهاجمی ناتو به سمت شرق.
- دوم، کودتای ناسیونالیستی در اوکراین در سال ۲۰۱۴. این اتفاق با دخالت نیروهای فاشیست و با تحمل ناتو، اتحادیه اروپا و آلمان زمانی رخ داد که روند ادغام اوکراین در اتحادیه اروپا و ناتو با خطر شکست مواجه شد.
- سوم، جنگ (داخلی) که دولت اوکراین هشت سال است علیه مردم دونباس که ادغام در ناتو و کودتاها می گرایانه را کنار گذاشته اند، به راه انداخته است.

چهارم، تحریم قراردادهای مینسک از سوی اوکراین برای هفت سال. در این قرارداد مذاکرات مستقیم بین طرف های درگیر – اوکراین و جمهوری های خلق دونباس – پیش بینی شده است. اوکراین از همان ابتدا آشکارا این مذاکرات مستقیم را رد کرد.

پنجم، حمایت کشورهای ضامن: آلمان و فرانسه، ناتو و ایالات متحده آمریکا از سیاست تحریم “مینسک-۲”.

ششم، نحوه رسیدگی به پیشنهادات چند هفته پیش دولت فدراسیون روسیه مبنی بر اقدام در جهت ایجاد نظم صلح که شامل تضمین های امنیتی برای روسیه نیز می شود. اینها را به اصطلاح غربی ها از روی میز مذاکره حذف کردند.

هفتم، چندین دهه تخریب و پایمال کردن قوانین بین المللی توسط ناتو، اتحادیه اروپا به رهبری سرمایه جهانی. ما فقط به نمونه های یوگسلاوی، لیبی، سوریه و افغانستان اشاره می کنیم.

هشتم، اعلام لغو احتمالی معاهده ی بوداپست، مبنی بر عاری بودن اوکراین از سلاح هسته ای توسط ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در کنفرانس امنیتی مونیخ.

صرف نظر از بهانه های هر دو طرف، درگیری نظامی در اوکراین نتیجه تشدید رقابت بین دو اردوگاه متخاصم است که عمدتاً حول محور حوزه های نفوذ، سهم بازار، مواد خام، طرح های انرژی مسیرهای حمل و نقل ... می چرخد؛ مبارزه ای رقابتی که نتوانستند با ابزارهای دیپلماتیک – سیاسی به سازش منطقی برسند.

مهمتر اینکه قیمت بالای انرژی، صنعت را که وابسته به آن است، تضعیف می کند و کارخانه ها متوقف می شوند. دولت ها مجبور می شوند منابع مالی را صرف سبسادیدی یا یارانه انرژی به مردم کنند.

انرژی گران و گرانت تر شده می رود. اروپایی های ثروتمند کمتر آسیب می بینند اما فقرا مجبورند بخاری ها را خاموش کنند. بر اساس برآوردهای اتحادیه اروپا، بیش از ۳۰ میلیون نفر در ۲۷ کشور اتحادیه، حتی قبل از بحران نمی توانستند دمای خانه را در شرایط مطلوب و راحت نگه دارند. برآوردهای دیگر حاکی از "فقر انرژی" بسیار بالاتر است، جمعیتی بین ۵۰ تا ۱۲۵ میلیون نفر که در خانه شان از سرما یخ می زنند.

قیمت گاز و برق در حال افزایش است و هنوز همه شدت آن را کامل حس نکرده اند. تحلیلگران اقتصادی پیش بینی می کنند که امسال میانگین مخارج انرژی خانوارهای اروپایی ۵۰ درصد بیشتر شود.

این یک واقعیت است که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده و متحدانش سیاست تهاجمی را در قبال روسیه در پیش گرفته اند که هدف آن محاصره این کشور از طریق گسترش ناتو به سمت شرق و همراهی با اوکراین است. بر ماست تا بر تنش زدایی پافشاری و بر گفتگو و مذاکره تاکید کرد.

این جنگ باید متوقف شود. این هرگز به نفع مردمی نیست که دارد زندگی شانرا می بلعد. اوکراین به آتش بس فوری، بازگشت به دیپلماسی و گفتگو بین طرفین نیاز دارد. معقول ترین کار اینست که اوکراین به کشوری بی طرف تبدیل شود، دموکراسی و ضد فاشیسم را در داخل و سیاست همکاری بین کشورهای اروپایی و روسیه را تضمین کند. اگر اوکراین بخواهد دوام و بقا داشته باشد، نباید به پایگاه یکی علیه دیگری تبدیل شود – بلکه باید به صورت حلقه وصل میان دو بلوک عمل کند.

یادداشت: از منابع معتبر استفاده شده است

